

سوره مبارکه فجر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْفَجْرِ (1)

وَ لِيَالِ عَشْرِ (2)

وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ (3)

وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِر (4)

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ (5)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادِ (6)

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (7)

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (8)

وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (9)

وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (10)

الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ (11)

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ (12)

فَصَبَّ عَلَيْهِمُ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (13)

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (14)

وَ قَآمًا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (15)

فَآمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (16)

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (17)

وَ لَا تَحَاضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (18)

وَ تَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (19)

وَ تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (20)

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (21)

وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (22)

وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أُنِّي لَهُ الذِّكْرَى (23)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (24)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (25)

وَ لَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (26)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (27)

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (28)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (29) وَ ادْخُلِي جَنَّتِي (30)

تا به حال به این فکر کردید که اگر در دنیای خارج هیچ ترمزی وجود نداشت
چه اتفاقی می افتاد؟

- وسایل نقلیه بدون ترمز
- وسایل الکترونیکی بدون کنترل
- وسایل صنعتی بدون امکان خاموش شدن
-



آیا به نظر شما آدم‌ها هم ترمز دارند؟

جامعه‌ای رو تصور کنید که در آن آدم‌های بدون ترمز زندگی می‌کنند:

- دوست دارند گاز بدهند؛ **بی ترمز!**
- دوست دارند راحت باشند؛ **بی ترمز!**
- دوست دارند به آن‌ها فوش گذرد؛ **بی ترمز!**
- دوست دارند جواب هر حرفی را بدهند؛ **بی ترمز!**
- دوست دارند همه چیز برایشان فراهم باشد؛ **بی ترمز!**
- دوست دارند هر طور که دوست دارند تصمیم بگیرند؛ **بی ترمز!**
-



معمولا به آدم‌هایی که ترمز دارند و رفتارهای خودشون رو کنترل می‌کنند می‌گیم:

انسان‌های عاقل

رفتار انسان غیرعاقل	رفتار انسان عاقل	
		پشم
		گوش
		دست
		پا





انسان عاقل برای همه
اعضا و جوارح و رفتارهای
خودش **خط قرمز** دارد و
هیچگاه از خط قرمزهای
خود عبور نمی کند.



سوره فجر به انسان‌های عاقل می‌گه: **ذی حجر**

مهر به معنی عقل است و ذی مهر یعنی صاحب عقل و فرد؛ کسی که برای کارها و رفتارها حد و حدود تعریف می‌کنه و سنگ‌پین می‌ذاره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خداوند بخشنده مهربان.

وَ الْفَجْرِ (1) سوگند به صبحدم (1).

وَ لَیَالٍ عَشْرٍ (2) و به شب‌های دهگانه (2).

وَ الشَّعْرِ وَ الْوَتْرِ (3) و به زوج و فرد (3).

وَ اللَّیْلِ إِذَا یَسِرُ (4) و به شب وقتی که پشت می‌کند (4).

هَلْ فِیْ ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِیْ حِجْرٍ (5) آیا این سوگندها برای يك خردمند کافی نیست؟ (5).



چگونه انسان می‌تواند ذی‌حجر شود؟

انسان‌های ذی‌حجر چه خصوصیتی دارند؟

انسان‌های ذی‌حجر چه عاقبتی دارند؟



أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (6)

آیا ندیدی که رفتار پروردگارت با قوم عاد چگونه بود؟ (6).

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (7)

همان قوم ارم، شهری که بناهای ستوندار داشت (7).

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (8)

و نظیرش در هیچ سرزمینی ساخته نشده بود (8).

وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (9)

و با قوم ثمود که صخره‌های بیابان را می‌بریدند (9).

وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (10)

و با فرعون که مردم را چار می‌کرد (10).

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (11)

اینها اقوامی بودند که در بلاد طغیان کردند (11).

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (12)

و در نتیجه طغیان خود، فساد را در بلاد بگسترزدند (12).

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (13)

پس پروردگارت تازیانه عذاب را بر سر آنها فرود آورد (13)

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (14)

آری پروردگار تو همواره در کمین است (14).



یکی از راه‌های ذی‌حجر شدن

مشاهده کردن و یاد گرفتن و عبرت آموزی

آیا ندیدی پروردگارت چه کرد با:

قوم عاد ← شهرهایی با قصرهای باشکوه

قوم ثمود ← خانه‌هایی در دل صخره‌ها

فرعون ← اهرام باعظمت همچون میخ

طغیان
و
فساد

عذاب ربّ



أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (6)

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (13)

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴)

مرصاد: آماده شدن و انتظار کشیدن برای چیزی (در کمین نشستن)
رصدخانه هم از همین ریشه است

این آیه هم تهدید است و هم فرصت



✓ سفر به گذشته های دور و دیدن اقوام طغیانگر، به ما کمک می کند عاقبت نافرمانی از خدا را که پیزی جز عذاب نیست به خوبی بفهمیم.

✓ فرمان های خداوند قانون جاری زندگی است، و نافرمانی او بی توجهی به این قانون هاست.

✓ دیدن نبات نیافتن اقوام مفسد و طغیانگر با وجود قدرتی که داشتند، به ما کمک می کند بفهمیم قدرت انسان هر قدر هم باشکوه باشد، در برابر عظمت خداوند شکست می خورد.

✓ یادمان باشد خدا مراقب همه چیز هست و پیزی از نگاه خداوند پنهان نیست و همه عالم به خواست و اراده خداوند قدرتمند اداره می شود.

... ✓



فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (15)

اما انسان چنین طبعی دارد که وقتی پروردگارش امتحانش کند و در محیط زندگی

ارجمندهش کند و نعمتش بدهد گوید: پروردگارم ارجمندم کرده است (15).

و اما چون امتحانش کند و روزی او را تنگ بسازد گوید: پروردگارم خوارم کرده است

هرگز چنین نیست، شما برای یتیم حرمتی قائل نیستید! (17).

و یکدیگر را بر اطعام مسکین تشویق نمی کنید (18).

و ارث یتیم را می بلعید (19).

و مال را به مقدار افراط دوست می دارید (20).

نه، در روزی که زمین متلاشی شود (21).

و ملائکه صف به صف امر پروردگارت را بیاورند (22).

و جهنم را حاضر سازند (مال) دردی از شما را دوا نمی کند، در آن روز انسان همه چیز

را می فهمد اما چه وقت فهمیدن است؟! (23).

می گوید ای کاش برای امروز چیزی از پیش فرستاده بودم (24).

آری عذاب آن روز آن چنان سخت است که هیچ کس دشمن

خود را به چنان عذابی شکنجه نکرده (25).

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (16)

كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ (17)

وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ (18)

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (19)

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (20)

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (21)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (22)

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذُّكْرَى (23)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (24)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (25)

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (26)



مسیری را تصور کنید که هیچ مانعی در آن نیست
بازی‌ای که برنده و بازنده ندارد
زندگی که هیچ هیجان و حادثه‌ی خوب و بدی ندارد
دریایی که موج و طوفان ندارد
قله‌کوهی که صفره ندارد

....

شیرینی بدون پشیدن طعم تلفی معنایی ندارد و آسایش و راحتی با وجود
سفتی قابل درک است و نعمت در کنار محدودیت.



فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (15)

وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (16)

رب: سوق دادن چیزی به سوی کمال و برطرف کردن نقایص آن.

ابتلا: ایجاد تحول و تغییر برای به دست آوردن نتیجه مورد نظر.

منظور آزمون خدای تعالی از بندگان گاهی با مسرت و سرورست تا سپاس گزارند و شکر کننده و گاهی نیز با ضررها و زیانهاست تا پایداری و صبر پیشه کنند.

قدر: قوتی است که اگر بخواهد به وسیله آن کاری را انجام می‌دهد و اگر نخواهد،

انجام نمی‌دهد. منظور این است که روزی انسان را تنگ و سخت می‌کند.



كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (17)

وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (18)

وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (19)

وَتُحِبُّونَ الْأَمَْالَ حُبًّا جَمًّا (20)

تحاضون: تشویق کردن دیگران به انجام کاری
لماً: جمع شدن و به هم پیوستن چیزهایی است که پراکنده شده‌اند.
جماً: فراوانی همراه با پرشدن است



كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (21)

وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (22)

وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أُنَى لَهُ الذِّكْرَى (23)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (24)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَدِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (25)

وَ لَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (26)

دک: کوبیدن و از هم پاشیدن

قدم: آنچه را پیش فرستاده

یوثق: به بند کشیدن



يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (27)
ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (28)
فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (29)
وَ ادْخُلِي جَنَّاتِي (30)

با توجه به مضامین سوره نفس مطمئنه نفسی است که.....

- ✓ دنیا را يك گذرا می‌بیند و داشتن و نداشتن و نفع و ضرر آن را امتحانی الهی می‌داند.
- ✓ اگر غرق در نعمت دنیایی شود، به طغیان و گسترش دادن به فساد و به علو و استکبار، وادار نمی‌شود.
- ✓ اگر دچار فقر و فقدان گردد این تهی دستی و ناملاهیات او را به کفر و ناشکری وانمی‌دارد.
- ✓ در عبودیت پای‌برجا است و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود.
- ✓ هم او از خدا راضی است هم خدا از او. زیرا وقتی بنده از خدا راضی باشد، خدای تعالی هم از او راضی خواهد بود، چون هیچ عاملی به جز خروج از بندگی خدا را به خشم نمی‌آورد.



برای بهشتی شدن و برای اینکه صاحب نفس مطمئنه شویم سوره چه راهکاری به ما می‌دهد؟

- ✓ همانند انسان های ذی حجر ببینیم در هر شرایطی چه حدودی را باید رعایت کنیم.
- ✓ مسیر رضایت از خود و رضایت از خدا و محبوب خدا شدن را پیدا کنیم.
- ✓ بدانیم خدا در هر لحظه ما را رصد می کند.
- ✓ وقتی در راه درست حرکت می کنیم نگران اتفاقات سخت و آسان مسیر نباشیم، چون همه این اتفاقات برای تقویت و رشد ما قرار داده شده است.
- ✓ ما نیامده ایم که در دنیا بمانیم، پس عقربه کارهایمان را به سمت برگشت به سمت خدا تنظیم کنیم.
- ✓ نفع حقیقی ما در داخل شدن در بهشت است نه داشتن امکانات مادی فراوان.
- ✓ زیان حقیقی ما در دخول در جهنم است نه در فقر و بیماری و گرفتاری های دنیوی.
- ✓ مهم این است که ما به خواست خدا و آنچه برایمان مقدر کرده راضی باشیم و با رضایت و صبر برای خواسته هایمان تلاش کنیم نه با عجله و ناراحتی.

